

مطالعه تطبیقی نسبت مشیت الهی و اختیار انسان: مطالعه موردی آیه ۱۷ سوره انفال

مهدی کامران^۱ , کاظم قاضی زاده^۲ , کاوس روحی برندق^۳ , و نصرت نیلساز^۴

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، رایانامه:

m_kamran@modares.ac.ir

^۲ استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه:

k.ghazizadeh@modares.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه:

k.roohi@modares.ac.ir

^۴ دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه:

nilsaz@modares.ac.ir

چکیده

آیات مربوط به مشیت الهی از آیات بحث برانگیز قرآن کریم است. تفاوت ظاهری این آیات سبب شده که مفسران درباره چگونگی تعلق مشیت الهی بر افعال انسان‌ها آرای متفاوتی ارائه دهند. آیه ۱۷ سوره انفال از این آیات است. برخی از مفسران این آیه را ناظر بر جبر و برخی دیگر آیه را شاهی بر اختیار انسان دانسته‌اند. در این مقاله تلاش شده است تا با رویکرد تحلیلی-تطبیقی در دامنه تفاسیر شیعه و سنی به این پرسش‌ها درباره آیه مورد بحث پاسخ داده شود: براساس ظاهر آیه، استناد مستقیم افعال به خداوند و نسبت دادن اختیار به انسان چگونه قابل جمع است؟ آرای مفسران در این زمینه چیست و چه نقدهایی بر آنها وارد است؟ مناسب‌ترین نظریه در تفسیر این آیه کدام است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی مفسران براساس ظاهر آیه را شاهی بر مذهب جبر دانسته‌اند. برخی دیگر دخالت مشیت خداوند در افعال اختیاری انسان را استنباط کرده‌اند. در این میان، مظهریت انسان برای افعال خداوند را می‌توان بهترین نظریه دانست.

کلیدواژگان: سوره انفال: ۱۷، جبر و اختیار، مشیت الهی

مقاله پژوهشی



مقدمه

یکی از موضوعات بحث‌برانگیز، که توجه بسیاری از اندیشمندان اسلامی را به خود جلب کرده، کیفیت ارتباط مشیت و اراده الهی با افعال اختیاری انسان است. عمومیت مشیت الهی از یک‌سو و قائل شدن به اختیار و اراده انسان در انجام امور ازسوی دیگر می‌تواند موجب این تفکر باشد که در کنار مشیت الهی، مشیت دیگری نیز وجود دارد که شمول و عمومیت مشیت الهی را خدشه‌دار کرده است. آیه ۱۷ سوره انفال یکی از این آیات است. خداوند در این آیه به مسلمانانی که در جنگ بدر شرکت کردند و پیروز شدند چنین خطاب می‌کند: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (ترجمه: شما آنان را نکشتید، بلکه خدا آنان را کُشت. و چون [ریگ به‌سوی آنان] افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند).

بر همین اساس و با توجه به ظاهر آیه، هرکدام از مفسران مذاهب مختلف کلامی این آیه را شاهد و مؤیدی بر صحت مذهب خود پنداشته‌اند: مفسران جبری آیه را دلیلی بر سلب اختیار انسان دانسته‌اند؛ مفسران اشعری نظریه کسب را بر آیه تحمیل کرده‌اند؛ مفسران معتزلی آیه را به‌گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که با مبانی آنان سازگار باشد و مفسران امامیه هم از این آیه اختیار انسان را با حفظ مشیت الهی استنباط کرده‌اند، هرچند در تبیین آن دچار اختلاف شده‌اند. اکنون سؤال این است که استناد قتل و کشتن در عبارت «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ» به خداوند با نسبت دادن اختیار به انسان چگونه قابل جمع است؟ تحلیل صحیح نفی و اثبات «رمی» در عبارت پیش‌گفته کدام است؟ بر فرض دلالت آیه بر اختیار انسان، سهم او در انجام کارهایش تا چه میزان است؟ با نگاهی همه‌جانبه به نظرات تفسیری درباره آیه و نظری عمیق‌تر به دلایل بیان‌شده مفسران، می‌توان به قضاوت دقیق‌تری رسید.

اشتراک و افتراق تفسیرها

نقطه مشترکی که در میان آرای مفسران فریقین در تفسیر این آیه شریفه آمده این است که همه آنها معتقدند در آیه مورد بحث قدرت خداوند در «قتل و رمی» تأثیرگذار بوده است و هیچ‌کدام منکر تأثیرگذاری قدرت خداوند نیستند؛ اما در باب تفاوت دیدگاه‌ها باید گفت دسته اول از مفسران قائل به قدرت مطلقه خداوند هستند و هیچ سهمی برای انسان در ایجاد افعالش قائل نیستند، برخلاف دسته دوم از مفسران که برای فرار از نظریه جبر محض، معتقدند سهم

انسان در ایجاد افعالش به کسب است؛ اما دلایلی که برای اثبات آن آورده شده نمی‌تواند برای انسان در انجام افعالش سهمی ایجاد کند و درواقع بازگشت نظریه کسب به همان نظریه جبر محض است که انسان هیچ نقشی در افعال اختیاری خود ندارد. بنابراین می‌توان گفت دسته اول و دوم از مفسران از این جهت با هم اشتراک دارند که انسان سهمی در انجام افعالش ندارد.

اما دسته سوم از مفسران که معتقد به توحید افعالی هستند، همان‌طور که قتل و رمی را در آیه مورد بحث به خدا نسبت می‌دهند، معتقد هستند که انسان‌ها هم در این قتل و رمی نقش داشته و سهم آنها سهم حقیقی بوده نه مجازی و کسبی و همه آنها در این نظر اشتراک دارند. ازسوی دیگر، همین مفسران وجوه مختلفی در تبیین توحید افعالی گفته‌اند که نشان‌دهنده اختلاف آنها در این زمینه است. غالب این دسته از مفسران فاعلیت انسان را در طول فاعلیت خداوند می‌دانند، بدین معنا که فعل خارجی توسط خداوند و انسان انجام گرفته، اما به صورت طولی؛ یعنی هر دو از اسباب انجام این کار هستند. همان‌طور که خداوند توسط باران گیاه را می‌رویاند راجع به انسان هم خداوند مستقیماً فعل را انجام نمی‌دهد، بلکه باواسطه انسان است. براساس آیه مورد بحث پیامبر (ص) به طور مستقل «رَمَى» نکرده، بلکه در طول اراده الهی «رَمَى» کرده است، درحالی که گروه دیگر از مفسران، با توجه به آیات فراوانی که افعال را به طور مستقیم به خداوند نسبت می‌دهد، این نتیجه را گرفته‌اند که اگر در آیه مورد بحث فعل «رَمَى» هم به پیامبر و هم به خداوند نسبت داده شده، بیانگر این است که پیامبر مظهر فعل الهی است و معتقد به مظهریت انسان برای افعال خداوند شده‌اند.

نتیجه‌گیری

در چگونگی ارتباط مشیت الهی و مشیت انسان در آیه «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» وجوه مختلفی ارائه شده است: باورمندان به جبر محض هیچ‌گونه نقشی برای مسلمانان قائل نشده‌اند و اسناد رمی به مسلمانان را اسناد مجازی دانسته‌اند. نظریه دیگری که درباره این آیه مطرح شده نظریه کسب اشعری است. باورمندان به این نظریه آیه هفدهم سوره انفال را دلیلی بر خلق افعال بندگان توسط خداوند دانسته‌اند و گفته‌اند که در عبارت «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ» قطعاً مسلمانان مشرکان را به قتل رسانده بودند، اما با توجه به نفی قتل از آنها این نتیجه را گرفته‌اند که حدوث قتل از جانب خداوند بوده و مسلمانان کاسب آن بوده‌اند.

بهترین وجهی که در مورد آیه هفدهم سوره انفال می‌توان پذیرفت نظریه توحید افعالی است، ولی برخی از متکلمان و حتی مفسران در تبیین آن، به فاعل بعید دانستن خداوند و فاعل قریب دانستن انسان، به خطا رفته‌اند و با این دیدگاه، فاعلیت خداوند را محدود کرده‌اند. اگر انسان به درجه‌ای برسد که از تمام دل‌بستگی‌ها جدا بشود، فیض خداوند به جای او می‌نشیند و خدای سبحان چشم، گوش و دست وی می‌شود و در واقع فعل انسان مظهر فعل خداوند می‌شود و آن‌گاه می‌توان گفت: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى».

منابع

- اسکندری، ابن المنیر. (۱۳۸۵ ق). الإنصاف فیما تضمنه الکشاف. شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- اشعری، ابوالحسن. (۱۴۰۰ ق). مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین. فرانس شتاینر.
- ایجی، میر سید شریف. (۱۳۲۵ ق). شرح المواقف. الشریف الرضی.
- جشمی، محسن ابن محمد. (۱۴۳۹ ق). التهذیب فی التفسیر. دار الکتب المصری.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۱۱ ق). المحصل. دارالرازی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). التفسیر الکبیر. داراحیاء التراث العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۹۸۶ م). الأربعین فی اصول الدین، مکتبه الکلیات الأزهریه.
- ربانی گلپایگانی، علی. (۱۴۲۳ ق). الجبر و الاختیار. مؤسسه امام صادق.
- روحانی، صادق. (۱۴۲۶). الجبر و الاختیار. لسان الصدق.
- قدردان قراملکی، محمدحسن؛ و قدردان قراملکی، علی. (۱۳۹۵). هفت رهیافت از نظریه کسب و تحلیل آن.
- پژوهش‌های اعتقادی کلامی، ۵(۲۱)، ۸۵-۱۰۲.